

والخمس والزكاة: خمس و زكات

ورد في جملة من الأخبار أنّ مانع الزكاة كافر [90]، وقال الباقر (ع): (إنّ أشد ما فيه الناس يوم القيامة إذا قام صاحب الخمس فقال يا رب خمسي) [91]، وقال إمام العصر عجل الله فرجه الشريف: (من أكل من مالنا شيئاً في بطنه ناراً وسيصلى سعيراً) [92].

در بعضی از خبرها وارد شده، کسی که زکات نمی‌دهد کافر است. (2) امام باقر (ع) فرمود: (بیشترین گرفتاری مردم در روز قیامت زمانی است که صاحب خمس برخیزد و بگوید: خدایا، خمس من)؛ (3) و امام زمان (ع) فرمود: (اگر کسی از مال ما چیزی بخورد، در شکم او آتش است و وارد آتش می‌شود). (4)

ودفع الخمس والزكاة فيه خير الدنيا والآخرة ويوجد البركة والزيادة في المال،
قال تعالى:

(إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿١٠٦﴾ لِيُؤْفِقَهُمُ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ)

[93].

خمس و زکات را بپردازید که خیر دنیا و آخرت در آن است و باعث برکت و زیاد شدن مال می‌شود. خداوند می‌فرماید:

(آنان که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز می‌گزارند و از آنچه به آن‌ها داده‌ایم پنهانی و آشکارا انفاق می‌کنند، امیدوار به تجارتي هستند که هرگز زیان نمی‌کند * زیرا خدا پاداششان را به تمامی می‌دهد و از فضل خود بر آن می‌افزاید؛ او آمرزنده و پذیرای سپاس است)؛ (1).

ولعل أهم ما يجب أن تعرفه أنّ من لا يدفع ماله في سبيل الله لا يدفع نفسه في سبيل الله، فالذي لا يدفع الخمس والزكاة لن يقاتل مع صف الإمام الحجة (ع)، بل لا يبعد أنّه سيحارب ضد الإمام (ع) إذا تعارضت عدالة الإمام (ع) مع مصالحه الشخصية، وانظر بعين الإنصاف أنّ المال كلّهُ لله فهو مالك كل شيء، ومع ذلك فقد جعل لك أربعة أخماس، ما جعلك مستخلفاً فيه، وفرض عليك أن تدفع الخمس

والزكاة لتعبر عن طاعتك له وحبك له ولرسوله وذريته، لا لحاجة الله لهذا المال، فأنت اليوم تنفقه على الفقراء والمساكين إن أخرجته.

مهمترین چیزی که باید در نظر داشته باشیم و بدانیم، این است که آنکه مالش را در راه خدا انفاق نمی‌کند جانش را هم در راه خدا نمی‌دهد. کسی که خمس و زکات نمی‌دهد، به همراه و در صف امام حجت (ع) نمی‌جنگد، حتی بعید نیست در مقابل و برضد امام (ع) بجنگد؛ آن زمان که عدالت امام (ع) با مصالح شخصی‌اش همخوانی نداشته باشد. اگر به این موضوع، منصفانه نگاه کنیم می‌بینیم که اموال دنیا تماماً از آن خداست و او مالک حقیقی همه چیز است؛ با این حال، خداوند چهار قسمت از پنج قسمت را به ما بخشیده و یک قسمت را برای خود برداشته و واجب فرموده است که خمس و زکات را پرداخت کنیم تا اطاعتمان از خداوند و دوستی‌مان را به او و رسولش (ص) و ذریه او (ع) نشان دهیم. خداوند نیازی به این مال ندارد و اگر پرداخت نمودی، امروز آن را برای فقرا و تنگدستان انفاق می‌کنی.

وأضرب مثلاً: صاحب مزرعة أعطاها لعمال فقال لهم اعملوا فيها وخذوا أربعة أخماس الإنتاج، والخمس الباقي أعطوه لجيرانكم من الفقراء؛ لأنني لا أريدهم أن يجوعوا أو يعرّوا، فطمع العمال حتى بالخمس وأكلوه، هل ترى أكرم من صاحب المزرعة، وهل ترى أبخل من هؤلاء العمال؟! والحمد لله رب العالمين.

مثال: صاحب مزرعه، مزرعه خود را در اختیار کارگران قرار داده و به آنها گفته است روی این زمین کار کنید، چهارپنجم محصول مال خودتان و یک‌پنجم باقی‌مانده را به همسایگان فقیر خود بدهید، زیرا من نمی‌خواهم آنها گرسنه و عریان بمانند. کارگران طمع کردند و آن یک قسمت را هم برای خود برداشتند. حال آیا بخشندگی صاحب مزرعه و خساست کارگران مزرعه را ملاحظه می‌نمایید؟! والحمد لله رب العالمين.

[90]- روي عن الصادق عن آبائه - في وصية النبي لعلي (ع) قال: يا علي، كفر بالله العظيم من هذه الأمة عشرة - وعد منهم - مانع الزكاة، ثم قال: يا علي، ثمانية لا يقبل الله منهم الصلاة - وعد منهم - مانع الزكاة، ثم قال: يا علي، من منع قيراطاً من زكاة ماله فليس بمؤمن ولا بمسلم ولا كرامة، يا علي تارك الزكاة يسأل الله الرجعة إلى الدنيا وذلك قوله عز وجل: حتى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون) وسائل الشيعة (آل البيت): ج 9 ص 34.

[91]- الكافي: ج 1 ص 547، من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 43.

[92]- كمال الدين وتمام النعمة: ص 521، وسال الشيعة (آل البيت): ج 9 ص 541.

2- از امام صادق (ع) از پدرانش (ع) روایت شده است، در وصیت پیامبر (ع) به علی (ع) که فرمود: (ای علی، ده گروه از این امت به خداوند کافر هستند - و آنها را نام می‌برد تا کسی که زکات نمی‌دهد - سپس فرمود: ای علی، هرکس به اندازه یک قیراط از زکات مالش را ندهد مؤمن نیست، مسلمان نیست و کرامتی ندارد. ای علی، ترک کننده زکات، از خداوند تقاضا

می‌کند به این دنیا بازگردانیده شود و این سخن خداوند است که می‌فرماید: (حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ)؛

(چون یکیشان را مرگ فرا رسد، گوید: ای پروردگار من، مرا بازگردان). وسائل الشیعه (آل‌البت): ج 9، ص 34

3- کافی: ج 1، ص 547؛ من لا یحضره الفقیه: ج 2، ص 43

4- کمال‌الدین و تمام‌النعمة: ص 521؛ وسائل الشیعه (آل‌البت): ج 9، ص 541

[93] - فاطر: 30-29.

1- فاطر: 30-29